

مقایسه مفهوم قرآنی تفضیل با مفهوم تبعیض در علوم اجتماعی و استلزامات آن در مباحث جنسیتی*

- محمد مهدی غریبی^۱
- علی صفری^۲
- محمد علی مهدوی راد^۳

چکیده

از دیرباز تا کنون، افراد ناآشنا با معارف قرآنی، شبهاتی درباره گزاره‌های قرآنی مربوط به حقوق و جایگاه اجتماعی زنان مطرح کرده‌اند. یکی از مستندات این شبهه‌افکنان در مورد جایگاه زن در قرآن کریم، استدلال به مفهوم «تفضیل» در آیه ۳۴ سوره نساء است. آنان مدعی‌اند که این مفهوم قرآنی بر «تبعیض» علیه زنان دلالت می‌کند. این نوشتار بر آن است که با هدف پاسخ‌گویی مستدل به این شبهه و همچنین تئور افکار عمومی خصوصاً جوانان نسبت به مقصود خداوند از آیات «تفضیل»، به روش توصیفی - تحلیلی مؤلفه‌های معنایی مفهوم قرآنی «تفضیل» و

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۸/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۴/۷.

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف (رشته قرآن و متون اسلامی) دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) (mohadeth62@gmail.com).

۲. استادیار گروه قرآن دانشگاه قرآن و حدیث، پردیس تهران (safari.a@qhu.ac.ir).

۳. دانشیار پردیس فارابی دانشگاه تهران (mahdavirad@isca.ac.ir).

«تبعیض» در علوم اجتماعی را استخراج نموده و پس از مقایسه این دو، اثبات نماید که واژه تفضیل ممکن است بر مزیتی برای مردان نسبت به زنان دلالت داشته باشد؛ ولی در واقع بیانگر برتری تکوینی آنان برای ایفای نقش «قوام» بودن و انجام مسئولیت برای حفظ و تأمین نیازمندی‌های خانواده است. این امر با مفهوم تبعیض در علوم اجتماعی کاملاً متفاوت است و هیچ دلالتی بر آن ندارد.

واژگان کلیدی: تفضیل در قرآن، برتری مردان، زنان در قرآن، تبعیض در علوم اجتماعی، تبعیض جنسیتی.

مقدمه

برخی آیات قرآن، موهم برتری ارزشی و حقوقی مردان بر زنان است و سبب می‌شود که برخی دچار شبهه شوند و مطالبی علیه آیات قرآنی مطرح نمایند؛ از جمله این شبهات، ادعای تبعیض قرآن کریم نسبت به زنان بر اساس آیه ﴿الرَّجُلُ قَوَّامٌ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...﴾ (نساء/ ۳۴) است که مشتمل بر مفهوم «تفضیل» می‌باشد. با توجه به گرایش روزافزون زنان در کشورهای غربی، اروپایی به اسلام، هجمه سنگین و تبلیغات گسترده‌ای توسط شبهه‌افکنان علیه معارف نجات‌بخش قرآنی صورت گرفته تا افرادی را که قصد گرویدن به دین اسلام دارند، بازداشته و نور الهی را خاموش نمایند. بنابراین ضروری است که پژوهشگران قرآنی با بهره‌گیری از روش‌های نوپدید در زمینه فهم متون مانند روش‌های معناشناختی به این گونه شبهات پاسخ دهند. در همین راستا، این نوشتار در صدد است با رویکرد مفهوم‌شناختی و از طریق استخراج مؤلفه‌های مفهوم تفضیل از آیات قرآن و مؤلفه‌های تبعیض در علوم اجتماعی، این دو مفهوم را مقایسه و تغایر آن‌ها را اثبات نماید و به شبهه برتری مردان بر زنان پاسخ دهد.

درباره بحث مفهوم تفضیل در قرآن کریم، سه گونه پژوهش وجود دارد: گونه اول در مورد پیامبران است؛ مانند مقاله «قرآن و آموزه تفضیل پیامبران؛ اسلوب، زمینه‌ها و ماهیت» (راد، ۱۳۹۷) که به دنبال چرایی طرح تفضیل پیامبران در قرآن بوده و نظرات مفسران در این زمینه را مطرح و نظر مختار خویش را ارائه نموده است. مقاله «معیار برتری پیامبران از نگاه قرآن و حدیث» (صادق‌زاده طباطبایی و مرتضوی، ۱۳۹۰)، عوامل سبقت در اعتراف به ربوبیت الهی، استواری بر پیمان‌های الهی، تلاش مضاعف

در گسترش توحید، صبر و استقامت در برابر دشمنان خدا و اخلاق برجسته در تعامل با مردم را ملاک‌های برتری پیامبران اولوالعزم دانسته است.

گونه دوم در مورد تفضیل بنی اسرائیل است؛ مانند مقاله «بررسی و نقد انگاره برتری ذاتی بنی اسرائیل بر اساس مطالعه تطبیقی تفاسیر قرآن و تفاسیر عهد عتیق» (طباطبایی امین، ۱۳۹۷) که نظرات مفسران قرآن و عهد عتیق را در مورد برتری بنی اسرائیل مقایسه و تطبیق نموده است.

گونه سوم این پژوهش‌ها مربوط به برتری مردان بر زنان است؛ مانند مقاله «بررسی شبهه اخلاقی سلب کرامت زنان در صدر آیه ۳۴ سوره نساء» (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۴). نویسنده در این مقاله، مدلول آیه مذکور را بررسی و ضمن بحث از گستره قوامیت مردان و علت تفضیل آن‌ها و رابطه آن با کرامت زنان، شبهه مطرح در این زمینه را مردود دانسته است. مقاله «ادعای برتری مطلق مرد بر زن» (شوچه و حیاتی، ۱۳۹۵) درصدد پاسخ‌گویی به پندارهای نادرست برتری اقتصادی مرد نسبت به زن، نظیر دیه و قصاص بوده است.

تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی در مقایسه مفهوم «تفضیل» در قرآن کریم با مفهوم «تبعیض» در علوم اجتماعی است. هدف این نوشتار، اثبات عدم دلالت ماده «فضل» و مشتقات آن از باب تفعیل (تفضیل) بر ارزش‌گذاری و نابرابری و رد پندار برخی (برای نمونه ر.ک: سها، ۱۳۹۳؛ کدیور، ۱۳۹۰) مبنی بر نگاه تبعیض‌آمیز قرآن نسبت به زنان است. در بررسی مفهوم واژه «تفضیل» در آیات قرآن کریم و مقایسه آن با مفهوم «تبعیض» در علوم اجتماعی، به دنبال پاسخ به این سؤالات هستیم:

- مراد از «تفضیل» در قرآن کریم چیست؟

- مراد از مفهوم «تبعیض» در علوم اجتماعی چیست؟

- ارتباط مفهوم قرآنی «تفضیل» با مفهوم «تبعیض» در علوم اجتماعی چیست؟

این پژوهش برای تحلیل مفهوم قرآنی «تفضیل»، نخست ریشه «فضل» و مشتقات باب تفعیل آن را در لغت بررسی می‌کند. در ادامه با توجه به سیاق آیات «تفضیل»، به تبیین مفهوم «تفضیل» می‌پردازد. آنگاه به یاری مباحث مکمل همچون تفضیل‌دهنده، تفضیل‌یافتگان و وجوه تفضیل، بر حسب شبکه معنایی تحلیل می‌نماید و برای استخراج حوزه معنایی «تفضیل» از تحلیل‌های مفسران قرآن کریم بسیار بهره می‌گیرد. دو مفهوم

پس از استخراج مفهوم «تبعیض» از متون علوم اجتماعی و کشف مؤلفه‌های آن، مقایسه خواهند شد.

مفهوم «تفضیل» بر حسب بافت و سیاق آیاتی که آن را در بر گرفته و سایر مفاهیم نزدیک به آن، در قالب حوزه معنایی و شبکه مفهومی به هم پیوسته تبیین می‌شود و برای فهم بهتر معنای واژه «تبعیض»، تعاریف ارائه شده توسط جامعه‌شناسان و اندیشمندان مسائل اجتماعی به صورت تحلیل مفهومی مورد کاوش قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم تفضیل

برای تبیین مفهوم تفضیل لازم است که ابتدا از نظر لغوی و سپس کاربرد قرآنی مورد بررسی قرار گیرد:

۱-۱. تفضیل در لغت

هیئت «تفضیل» مصدر باب تفعیل از ریشه «فضل» است. ابن هائم «فضل» را زیادت معنا کرده است (ابن هائم، ۱۴۲۳: ۷۲/۱). فراهیدی علاوه بر معنای زیادت در خیر، معنای غلبه بر غیر را برای هم‌خانواده‌های ماده «فضل» بیان نموده است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۴۴/۷). فیومی معنای «فضل» را زیادت، و در باب تفعیل به معنای برتر از دیگران قرار دادن دانسته است (مقری فیومی، بی‌تا: ذیل واژه فضل). جوهری فضل را ضد نقص، و تفضیل را برتر دانستن بر دیگری معنا کرده است (جوهری، بی‌تا: ۱۷۹۱/۵). فؤاد بستانی، لغوی معاصر، «تفضیل» را چنین معنا نموده است: برتری دادن بر دیگران (بستانی، بی‌تا: ۶۳). برخی لغویان نیز با ارائه ضد معنای «فضل»، در صدد تبیین معنایش بوده‌اند؛ مانند ابن منظور که «فضل» را ضد نقص برشمرده است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۵۲۴/۱۱). مصطفوی در *التحقیق*، اصل معنا در این ریشه را زیادی نسبی (و نه مطلق) در ماده «فضل» دانسته که بسته به موقعیت‌های مختلف، بر خیر، باقی مانده، احسان، شرف، چیزی که بعد از غذا ترک شده، و زیادی ثروت اطلاق می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۱۰۶/۹). بنابراین می‌توان گفت: ریشه «فضل» و مشتقات آن، نشانگر کثرت و زیادی در وصف و یا حالتی در معنای مثبت هستند. در شکل مصدری باب تفعیل نیز

«تفضیل» برای مقایسه و در مواردی به کار می‌رود که با هم شباهت‌هایی دارند؛ حال تفاوتی بین افراد مشابه وجود دارد که متکلم می‌خواهد خبر از زیاد بودن آن ویژگی در آن چیز (مفضّل یعنی مفعول فعل مشتق شده از تفضیل) نسبت به غیر خودش بدهد.

۲-۱. کاربرد قرآنی تفضیل

با توجه به کاربردهای «فضل» در قرآن کریم، قرشی در قاموس قرآن، کاربرد مشتقات آن را در دو معنا برشمرده است: ۱- برتری؛ ۲- عطیه و احسان و رحمت که هر دو از مصادیق معنای اولی است (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۸۳/۵).

در قرآن کریم به استثنای ۱ مورد که در آیه ۲۴ سوره مؤمنون از باب تفعّل و به معنای «برتری جویی» آمده، همه مشتقات فعلی ماده «فضل» در باب «تفعیل» به کار رفته است (ر.ک: نساء/ ۳۲، ۳۴ و ۹۵؛ اعراف/ ۱۴۰؛ نحل/ ۷۱؛ نمل/ ۱۵). با توجه به اینکه اقتضا و دلالت باب تفعیل نیز تعدیه است و مشتقات فعلی «تفضیل» در تمام آیات با حرف «علی» متعدی شده است، در نتیجه واژگان مجرور به حرف جرّ «علی»، «مفضّل علیه» هستند. بنابراین معنای «برتری دادن» اشخاص بر غیر آنان (مجرور به علی) از این آیات برداشت می‌شود. شیخ طوسی تفضیل، ترجیح و تزئید را نظایر یکدیگر، و مساوی قرار دادن را ضد تفضیل دانسته است. از نظر وی، زیادت، افضال، احسان و انعام، نظایر یکدیگرند. وقتی گفته شود فضّله (او را برتری داد)، زمانی است که به او زیاد اعطا شده باشد (طوسی، بی‌تا: ۲۰۸/۱). ﴿وَأَلَىٰ فَضْلَتِكُمْ﴾ به معنای این است که به شما زیاد عطا نمودم (واحدی، ۱۴۱۵: ۱۰۳/۱). در جای دیگر از کتابش، تبیین بیشتری از تفضیل دارد و می‌نویسد: «تفضیل یعنی چیزی را برتر از دیگران قرار دادن به وسیله اعطای خیری به آن و محروم ساختن دیگران از آن خیر، حکم نمودن به اینکه آن برتر از دیگری است» (طوسی، بی‌تا: ۲۵۴/۹).

علامه طباطبایی معتقد است: «تفضیل» در بردارنده معنای اعطا و مشابه آن بوده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۷/۵). ابن عاشور تفضیل را منت نهادن به برتر معنا نموده که به واسطه آن و ضد آن برای دیگران عبرت حاصل می‌شود و نیز آن را کنایه از اختلاف می‌داند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۴۳/۱۲).

۳-۱. مؤلفه‌های معنایی «تفضیل» در قرآن

برای تبیین حوزه معنایی «تفضیل» پس از واکاوی لغوی آن، باید همه موارد استعمال در قرآن کریم گردآوری شود. سپس از طریق تأمل در واژگان همنشین آن در یک جمله و واحد معنایی، روابط میان واژگان در شبکه‌های معنایی کشف گردد. حوزه معنایی «تفضیل» در قرآن کریم از قرار زیر است:

«تفضیل» مفهومی ذات‌الاضافه است؛ یعنی تحققش نیازمند وجود امور دیگری است؛ به این صورت که در مفهوم «تفضیل» باید طرفین و متعلقات وقوع آن را از حیثیت‌های زیر مورد دقت قرار داد: الف- مفضَّل (به کسر ضاد): فاعل و ایجادکننده تفضیل؛ ب- مفضَّل (به فتح ضاد): مفعول و پذیرنده آن؛ ج- مفضَّل علیه: کسانی که این «تفضیل» نسبت به آن‌ها صورت پذیرفته است؛ د- مفضَّل به: امری که به واسطه آن «تفضیل» صورت پذیرفته است.

الف) ایجادکننده: فاعل در مشتقات فعلی «تفضیل» (یعنی برتری‌دهنده)، خداوند متعال است. در کل قرآن فقط خداوند اعطاکننده فضل معرفی شده است (حدید/ ۲۱ و ۲۹). در منطق قرآنی، مرجع فضل و تفضیل فقط خداوند است (رأد، ۱۳۹۷). غیر از ۲ مورد (اعراف/ ۳۹؛ هود/ ۲۷) در بقیه موارد، واژه «فضل» به خداوند اسناد داده شده است. ب) پذیرندگان (کسانی که برتری داده شده‌اند).

ج) کسانی که نسبت به آن‌ها برتری صورت گرفته (مفضَّل علیهم)، عبارت‌اند از:
 ۱. عموم انسان‌ها نسبت به سایر مخلوقات: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ (اسراء/ ۷۰).

۲. بعضی انسان‌ها نسبت به بعضی دیگر (به طور مطلق): ﴿... فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...﴾ (اسراء/ ۲۱).

۳. بعضی انسان‌ها نسبت به بعضی دیگر (در رزق و روزی): ﴿وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ...﴾ (نحل/ ۷۱).

۴. بنی اسرائیل نسبت به دیگران: ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ... وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (بقره/ ۴۷ و ۱۲۲؛ اعراف/ ۱۴۰؛ جاثیه/ ۱۶).

۵. بعضی پیامبران نسبت به بعضی دیگر: ﴿تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...﴾ (بقره/

۶. همه پیامبران نسبت به سایر انسان‌ها: ﴿وَكَلَّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (انعام / ۸۶).

۷. مجاهدین نسبت به قاعدین (نشستگان از جهاد): ﴿... فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ...﴾ (نساء / ۹۵).

۸. مردان و زنان نسبت به یکدیگر: ﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ...﴾ (نساء / ۳۲).

۹. برتری مردان بر زنان (و یا شوهران بر همسرانشان):^۱ ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...﴾ (نساء / ۳۴) برتری مردان بر زنان در رهبری و سرپرستی خانواده به منزله یک جامعه کوچک است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/۳۷۰). در واقع به معنای برتری شوهران بر همسرانشان است. البته برخی مفسران معاصر، «تفضیل» در آیه ۳۴ را برتری طرفینی می‌دانند. فضیلت مرد و زن متبادل (و متقابل) است. هم مرد بر زن و هم زن بر مرد برتری دارد (مطهری، بی‌تا(ب): ۴۷/۵)؛ همان گونه که مردان از جهاتی بر زنان برتری دارند، زنان نیز از جهاتی دیگر بر مردان برتری دارند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۳۸/۷-۳۹).

(د) چگونگی وقوع «تفضیل» یعنی آنچه که بدان برتری داده شده است (مفضل به):
 ۱. برتری بخشی و تکریم عموم انسان‌ها نسبت به سایر مخلوقات در ویژگی‌های ذیل است: قدرت بیان، عقل، شناخت، صورت نیکو، قامت معتدل، تدبیر امور دنیوی و اخروی، قدرت پردازش و ساختن (صناعات)، تسخیر سایر موجودات (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳/۲۰۵؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۲/۳۳۸).

۲ و ۳. برتری نسبت به سایر انسان‌ها در امکانات مادی و رزق و روزی نیز مشهود است که خداوند متعال بنا بر مصالحی، به برخی روزی بیشتر و به برخی روزی کمتر ارزانی داشته است (رعد / ۲۶). به قول علامه:

«تفضیل و برتری در دنیا به این است که مال و متاع و جاه و فرزند و نیرو و شهرت و ریاست و آقایی و مقبولیت در بین مردم که متاع‌های دنیایند، در بعضی بیشتر از بعضی دیگر باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۹۵).

۱. در مورد اقوال مطرح در این باره ر.ک: قدسی، ۱۳۸۹: ش ۵.

۴. برتری بنی اسرائیل نسبت به بقیه، نزد مفسران به «وجود پیامبران فراوان از میان آنها»، «نعمت هدایت و ایمان»، «رهای از جنگال فرعونیان و بازیافتن عظمت و استقلال» و «استفاده از غذای ویژه آسمانی» تعبیر شده است (مغنیه، ۱۴۲۴: ۹۵/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۲۰/۱).

۵. برتری بعضی پیامبران نسبت به بعضی دیگر، در اختلاف درجات آنان است؛ مانند «آیات بینات» و «تأیید به روح القدس»؛ چرا که این‌ها صفاتی برجسته و ارجمندند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۷۲/۲).

۶. همه پیامبران نسبت به سایر انسان‌ها... سرّ اینکه خداوند، پیامبران را بر سایر انسان‌ها برتری بخشیده، توحید فطری و سایر ویژگی‌هایی است که آنان را شایسته مقام خلیفه‌اللهی و برگزیده شدن برای رهبری سایر انسان‌ها نموده است.

۷. در برتری مجاهدین بر قاعدین، ذات افراد مورد «تفضیل» واقع نشده است؛ بلکه افراد متصف به وصف و ویژگی جهادگری و گذشت از جان و مال خود برای دفاع و پشتیبانی از ارزش‌ها، شایسته دریافت «تفضیل» خداوند گردیده‌اند.

۸. برتری مردان بر زنان نسبت به یکدیگر: مانند حضور در جهاد، سهم بیشتر ارث برای مردان (سیدقطب، ۱۴۲۵: ۵۹۷/۱) و معافیت از وجوب پرداخت هزینه‌های زندگی برای زنان (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۱۱/۲).

۹. برتری مردان بر زنان (و یا شوهران بر همسرانشان): مرد در عقل و رأی (نیکو) (طوسی، بی‌تا: ۱۸۹/۳)، از حیث تفکر و تدبیر و اداره امور و تحمل کارهای سخت (قرشی، ۱۳۷۱: ۵۲/۶)، حسن تدبیر و توانایی زیاد در اعمال و طاعات (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۴۴۸/۱)، علم و قدرت (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۷۱/۱۰)، توانایی پرداخت هزینه‌های زن (مراغی، بی‌تا: ۲۷/۵)، دوراندیشی، جدّیت (در امور)، توانمندی، اسب‌سواری و تیراندازی، بر زن برتری دارد (قاسمی، ۱۴۱۸: ۹۶/۳). آلوسی دلیل برتری مردان را اختصاص به رسالت و امامت، اقامه شعائر و مسائلی مانند ارث و دیه و قصاص می‌داند (حسینی آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۴/۳). به نظر می‌رسد آنچه خداوند به مردان فضل نموده، عقل معاش و قدرت بدنی برای تحصیل مال و تأمین نیازمندی‌های منزل و اداره زندگی است و چون مرد، مسئول تأمین هزینه است، سرپرستی امور منزل هم با مرد است (مروی، ۱۳۸۶).

فضیلت طرفینی زن و مرد بدین صورت است:

«اعمالی که هر یک از زن و مرد به اجتماع خود هدیه می‌دهند، باعث آن می‌شود که به فضلی از خدا اختصاص یابد، بعضی از فضل‌های خدای تعالی، فضل اختصاصی به یکی از این دو طایفه است؛ بعضی مختص به مردان (زیادتر بودن نیروی تعقل) است و بعضی دیگر مختص به زنان (عاطفه و احساس) است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۱۰/۲ و ۳۴۱/۴).

۴-۱. تفصیل مردان بر زنان

به مواردی از وجوه «تفضیل» و برتری هشت گروهی که خداوند در قرآن به آنان برتری بخشیده، در خود آیات تصریح شده است (برای نمونه رک: نحل / ۷۱؛ اسراء / ۷۰؛ نمل / ۱۵؛ جائیه / ۱۶). در بقیه موارد نیز توسط مفسران، وجوهی استحضانی با توجه به سایر آیات قرآن ارائه گردیده است. در پنج مورد، ارزش‌های معنوی و امور مربوط به شئون روحی افراد باعث «تفضیل» شده است: ۱- برتری عموم انسان‌ها بر بقیه مخلوقات؛ ۲- برتری انبیا بر بعض دیگر انبیا؛ ۳- برتری انبیا بر عموم انسان‌ها؛ ۴- برتری بنی اسرائیل در بخش اعطای کتاب، حکومت و پیامبری؛ ۵- برتری مجاهدان بر قاعدان. در دو مورد مربوط به امور مادی است: ۱- برتری برخی انسان‌های دیگر که در خود آیه به برتری در «رزق» تصریح شده است؛ ۲- بخش اندکی از برتری قوم بنی اسرائیل که مربوط به طبیات رزق بود.

اما وجه فضیلت مردان بر زنان مانند موارد دیگر می‌تواند هم امور مربوط به شئون روحی و معنوی باشد؛ یعنی همان عقل و تدبیر برتر که لازمه مدیریت خانواده است (قدسی، ۱۳۸۹)، و هم امور مادی از قبیل توانایی‌های فیزیکی و قدرت جسمی. به عبارت دیگر با توجه به کاربردهای مختلف آن مشخص شد که «تفضیل» مردان بر زنان با سایر موارد به یک معنا نیست و تنها مشترک لفظی هستند. معنای برتری انبیا با برتری بنی اسرائیل و برتری مردان و زنان متفاوت است. برتری، نسبی است و مصادیقش نیز متفاوت‌اند. در هر آیه‌ای که مفهوم «تفضیل» به کار رفته، باید ملاک برتری را متناسب با سیاق آیه مشخص نمود؛ مانند تقسیم انواع برتری به کاررفته در قرآن که برخی برتری‌ها به سبب امور اختیاری است، همچون برتری جهادگران بر غیر آنان، و برخی برتری‌ها به دلیل

امور غیر اختیاری است، همچون برتری برخی بندگان در رزق و روزی.

در آیه ۳۴ سوره نساء نسبت به مردان (یا شوهران) بر زنان (همسرانشان) تفضیل صورت گرفته است. تفضیل مردان و زنان با تفضیل انبیا و بنی اسرائیل و... متفاوت است. تفضیل در این آیه با توجه به همنشینی با «قوامون»، معنایی خاص دارد؛ چرا که دلیل بر «قوامیت» مردان است. لازمه قوام بودن، سرپرستی، نگهداری، نگهدارنده بودن و توانمندی بیشتر است. اگر خداوند مسئولیتی به کسی بدهد، ابزار آن را نیز در اختیارش قرار می‌دهد. حال که مسئولیت محافظت و نگهداری از خانواده را به مرد داده، قدرت بدنی و ویژگی‌های خاص آن را نیز به او داده است. در واقع تفضیل بین مردان و زنان، تفضیل در تکوین است؛ به معنای اینکه در آفرینش، متفاوت آفریده شده‌اند و به معنای برتری ارزشی مردان نسبت به زنان نیست و استحقاق دریافت حقوقی بیش از حقوق زنان برای مردان ایجاد نکرده است.

رشید رضا در تحلیل این «تفضیل» می‌گوید:

«در حقیقت آیه می‌خواهد به این نکته اشعار دهد که هر کدام از مردان و زنان به منزله عضوی از یک پیکرند. پس تفاوت‌هایشان به منزله تفاوت بین اعضای یک پیکر است که در عین برتری بعضی از اعضا، پایین بودن بعضی دیگر، عیب و عاری برای آن به حساب نمی‌آید» (رشید رضا، ۱۴۱۴: ۶۹/۵).

علامه فضل‌الله نیز تفضیل مردان بر زنان را به سبب بعضی از خصایص ذاتی و تکوینی دانسته است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۲۳۰/۷)؛ همان گونه که در آیات قبل ﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾ (نساء/۳۲) با بیان «تفضیل» طرفینی مردان و زنان به این تفاوت اشاره شده و آنان را از تمنای آن نهی نموده است. جوادی آملی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

«این آیه ناظر به تفاوت داشتن انسان‌ها از لحاظ امکانات، استعدادها، هوش و قدرت‌های فکری و بدنی در زمینه تحصیل امور مادی و معنوی است. هم مردها با هم و هم زنها با یکدیگر تفاوت دارند؛ چنان که زن و مرد با هم تفاوت دارند» (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۴۹۴/۱۸).

بنابراین «تفضیل» مذکور در آیه ۳۴ نساء، تکوینی و خارج از اراده و اختیار مردان بوده که بیانگر تفاوت در وظایف و نقش‌های مردان و زنان است و برخی تفاوت‌های

حقوقی مردان و زنان را به دنبال دارد و ارتباطی با جایگاه ارزشی زنان ندارد. برتری مردان تنها زمینه‌ساز انجام وظایف و مسئولیت آنان در قبال زنان است. مردان به سبب این برتری، سرپرست و نگهدارنده زنان‌اند. به قول بلاغی:

«ای بسا انسان فاضلی که فضیلت و برتری او، نعمتی برای انسان مفضول به حساب می‌آید؛ چنان که مفضول بودن نیز چه بسا نعمت برای مفضول است» (بلاغی نجفی، بی‌تا: ۱۰۵/۲).

در واقع تفضیل مردان بر زنان، لطفی برای مردان و نقصی بر زنان نیست؛ بلکه به مصلحت و منفعت زنان است. آفرینش متفاوت مرد و زن سبب گردیده تا نقش‌های متفاوتی برای این دو جنس پدید آید؛ چنان که در ادامه آیه ۳۴ نساء به مسئولیت اجتماعی و اقتصادی مرد مانند پرداخت نفقه اشاره شده است. در مقابل، زن مسئولیت اقتصادی ندارد و می‌تواند پول حاصل از کسب خود، مهریه، ارث و هدایا را برای خودش نگه دارد. مسئولیت اقتصادی مرد به آفرینش او برمی‌گردد که متفاوت از زن است.

زن به سبب داشتن نقش مهم در تولید مثل و پرورش انسانی دیگر در دامن خود، اسیر عادت ماهیانه، وضع حمل و همچنین مراقبت و شیردهی فرزند می‌شود. این‌ها همه مانع از کار و تلاش اقتصادی زن هستند. علاوه بر این، مرد قدرت بدنی دارد که متناسب با سرپرستی است. تمام این‌ها بازگشت به تمایزات تکوینی مرد و زن دارد. از نظر علامه جعفری، این «تفضیل» یک علت طبیعی محض است، نه قراردادی و تحکمی و نه امتیاز خاص «مرد» بودن؛ بلکه اختصاص داشتن استعداد و نیرویی خاص به مرد است؛ مانند مقاومت در مقابل عالم طبیعت برای تصرف در آن و عدم معذوریتش از پدیده‌های طبیعی که زن معذور است (جعفری، ۱۳۶۱: ۲۷۳).

علامه طباطبایی نیز ذیل آیه ۳۴ نساء، دلیل ظهور یافتن تفضیل را در معنای مجهز شدن مردان به جهازی می‌داند که با آن زندگی بشر به بهترین وجه اصلاح و تنظیم می‌شود؛ نه اینکه کرامت واقعی و فضیلت حقیقی برای مردان باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۳۴۴/۴).

اختصاص آفرینش و مسئولیتی خاص به یکی، هرگز به معنای تبعیض و جفا به دیگری نیست. واگذاری قیمومیت خانواده به مردان و پرداخت مهر و نفقه، نتیجه تدبیر ماهرانه‌ای است که برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آن‌ها به یکدیگر به کار رفته

است (طیبی، ۱۳۸۹). در نتیجه معنای آیه ۳۴ سوره نساء چنین می‌شود: مردان عهده‌دار سرپرستی زنان هستند، به دلیل قابلیت‌های بیشتری که خداوند به آنان اعطا کرده و به دلیل اینکه از اموالشان (در قالب پرداخت نفقه و مهریه به همسرانشان) انفاق می‌کنند.

۲. مفهوم تبعیض

برای تبیین مفهوم تبعیض نیز ابتدا به بررسی لغوی آن، سپس در اصطلاح علوم اجتماعی می‌پردازیم:

۱-۲. تبعیض در لغت

تبعیض^۱ در لغت عرب به معنای تقسیم نمودن به قطعه‌ها و اجزای جداگانه و متمایز از یکدیگر (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۲۰/۷؛ فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۸۳/۱؛ مقرئ فیومی، بی‌تا: ۵۴/۲) و در لغت فارسی به معنای تقسیم و جدا کردن بعضی از بعضی، بین دو فرد یا چند فرد مساوی یا بعضی را امتیاز دادن است. رجحان بعضی بر بعضی بدون مرجح (معین، ۱۳۹۱: ۱۰۲۴)، ترجیح دادن کسی یا چیزی بر دیگری به طور ناعادلانه است (انوری، ۱۳۸۱: ۱۶۱۰).

۲-۲. تبعیض در علوم اجتماعی

تبعیض در حوزه‌های مختلف مسائل اجتماعی، از جمله خانواده، جنسیت و... مطرح است؛ از این رو در اصطلاح علوم اجتماعی، یک تعریف واحد برای آن وجود ندارد. برای تبیین مؤلفه‌های اصلی مفهوم تبعیض، تعاریف ارائه‌شده در منابع متعدد علوم اجتماعی را بررسی می‌نماییم:

۱- تبعیض در اصطلاح علوم اجتماعی، عمل جدا کردن و بریدن را می‌رساند. زمانی که در یک گروه یا جامعه، جزئی از جمعیت در مقایسه با مجموع آن، در برابر رفتارها و کردارهای متفاوت قرار گیرد، مورد تبعیض واقع شده است. آن جزء از جمعیت که از آثار ناشی از تبعیض متأثر می‌شود، از نظر حقوقی تفاوتی با دیگران ندارد؛ ولی در عمل حقوقش ضایع می‌شود، الزاماتی خاص به ستوهش می‌آورند و از

1. Discrimination.

فرصت‌های مورد استفاده همگان بی بهره می ماند (بیرو، ۱۳۷۵: ۹۲-۹۳).

۲- بر نحوه برخورد نامطلوب با دسته‌های معینی از اشخاص در جهات و زمینه‌های تحکم‌آمیز دلالت می کند (گولدا و کولب، ۱۳۷۶: ۲۱۲).

۳- مرتون جامعه‌شناس آمریکایی که به عنوان بنیان‌گذار جامعه‌شناسی مدرن شناخته می‌شود، تبعیض را برخورد با یک موقعیت به لحاظ کارکردی نامربوط (مانند جنس یا نژاد) به عنوان یک موقعیت مربوط برای توزیع برخی پاداش‌ها یا تنبیهات تعریف می کند. جامعه‌شناسان پیرو مرتون نیز تبعیض را مستلزم برخورد نابرابر با افراد در موقعیت‌های مشابه، به خاطر جنس، نژاد، رنگ، اصالت ملی، مذهب یا برخی ویژگی‌های دیگر می دانند (جیلی، ۱۳۹۱، به نقل از: بلز، ۱۹۹۱؛ بلام روسن، ۱۹۹۳).

۴- تبعیض عبارت است از رفتار نابرابر مردم بر اساس عضویت گروهی آنان (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۲۵۴).

۵- در تبعیض اجتماعی، گروهی از امتیازاتی ویژه برخوردار می شوند و گروه‌های دیگر محروم می‌باشند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۰۱).

۶- تبعیض بر طرز رفتار متفاوت با اشخاص مختلف دلالت دارد، بسته به اینکه این اشخاص به کدام گروه تعلق دارند. تبعیض، اعضای گروه معینی را از منابع یا پاداش‌های گروه‌های دیگر محروم می کند (شایان‌مهر، ۱۳۷۷: ۱۴۷).

۷- مطهری تبعیض را فرق گذاشتن بین اشیاء در شرایط مساوی و استحقاق‌های همسان تعریف نموده است (مطهری، بی تا(الف): ۱۰۱).

۸- تبعیض به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که اعضای یک گروه را از برخی فرصت‌ها محروم می‌سازد و دیگران را از آن‌ها بهره‌مند می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۶: ۲۶۳).

۹- از نظر شریعتی، تبعیض به معنای نابرابری است. این تعریف از بخشی از نوشته‌هایش استخراج می‌شود:

«... در آفریقا، بزرگ‌ترین عاملی که اسلام را در میان سیاه‌پوستان نفوذ می‌دهد، برابری نژادی‌اش است؛ یعنی نژاد سیاه که از تبعیض نژادی رنج می‌برد و شکنجه می‌بیند، می‌بیند که در اسلام برابری نژادی مطرح است. بنابراین به اسلام گرایش پیدا می‌کند...» (شریعتی، ۱۳۶۸: ۳۳۱).

از مقابل یکدیگر آوردن برابری نژادی و تبعیض نژادی مشخص می‌شود که در اندیشه شریعتی، تبعیض همان نابرابری است.

۱۰- سازمان ملل، مفهوم «تبعیض» را به صورت زیر تعریف می‌کند:

«تبعیض شامل هر رفتاری می‌شود که اساس آن، رجحان‌هایی است که بر مقولات طبیعی یا اجتماعی‌ای بنا شده است که هیچ ارتباطی با ظرفیت‌های فردی، شایستگی یا رفتارهای واقعی فرد ندارد» (عضدانلو، ۱۳۸۶: ۱۷۰).

اندیشمندان بخش‌های مختلف علوم اجتماعی بر اساس ملاک‌های خاص مدّ نظر خودشان، تعریف‌هایی برای «تبعیض» ارائه نموده‌اند. صرف نظر از اختلاف نظرها، بر اساس تعاریف ارائه شده، تعریف زیر را می‌توان در جمع‌بندی به عنوان تعریف برگزیده این پژوهش ذکر کرد: «فرق گذاشتن بین افرادی که دارای شرایط مساوی و استحقاق‌های برابرند، بدون وجود هیچ‌گونه دلیلی».

۲-۳. مؤلفه‌های معنایی «تبعیض» در علوم اجتماعی

مؤلفه‌های معنایی «تبعیض» خصوصیتی هستند که مفهوم آن را تشکیل می‌دهند و نقاط اشتراک و تمایز آن را از سایر معانی آشکار می‌سازند. با دقت در تعاریف اندیشمندان علوم اجتماعی از «تبعیض» و واکاوی و تحلیل آن‌ها برای فهم دقیق‌تر معنای «تبعیض» می‌توان مؤلفه‌های ذیل را ارائه نمود:

۱- با توجه به وجود تعریف «تبعیض» در علوم گوناگون اجتماعی مشخص می‌شود که مفهوم تبعیض در مطالعات حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، دینی، فرهنگی و... در جوامع مختلف مطرح است. در نتیجه متعلق تبعیض می‌تواند امور گوناگونی باشد، از قبیل حقوق، مسائل مالی و....

۲- تبعیض دائرمدار «بدون دلیل بودن» یعنی «ترجیح بلامرجح» است. مهم‌ترین عنصر در تعاریف، قید برتری‌بخشی بدون دلیل بودن می‌باشد. تبعیض وقتی صورت می‌پذیرد که بین افراد دارای شرایط یکسان و استحقاق‌های همسان، تفاوت قائل شویم و بدون وجود دلیلی عرفی، عقلی و شرعی، فقط به صرف متفاوت بودن از لحاظ مقولات طبیعی مانند جنسیت، نژاد، زبان، ملیت، و یا اختیاری مثل مذهب،

عقیده^۱ و...، برای برخی از آن‌ها امتیازات یا برتری‌هایی در نظر بگیریم، برخی را از حقوقشان محروم سازیم یا اینکه به عده‌ای بیش از استحقاقشان بدهیم.

این مؤلفه به طور خاص در یکی از نشریات سازمان ملل متحد مورد تصریح قرار گرفته است:

«تبعیض متضمن هر گونه رفتاری است که بر دلایل و موجباتی از نوع طبیعی یا اجتماعی مبتنی باشد؛ دلایل و موجباتی که نه با استعدادها یا شایستگی‌های فردی ارتباط دارد و نه با رفتار مشخص فرد» (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۲۱۲).

۳- ارتباط مفهوم تبعیض با دو مفهوم بی‌عدالتی و نابرابری، ارتباطی وثیق بوده و همپوشانی نزدیکی با هم دارند (انصاری و شاه‌طالبی، ۲۰۱۶)؛ چرا که ارتباطشان با یکدیگر با اندکی تأمل مشخص می‌شود، چنان که هنگام تفسیر و تبیین هر یک از این سه واژه، از یکی دیگر از این واژگان یاری گرفته می‌شود و یا به صورت جانشین یکدیگر و یا تکمیل‌کننده هم به کار می‌روند.

اصطلاح بی‌عدالتی جنسیتی و نابرابری جنسیتی از این نمونه‌هاست که در تعریف این دو نیز کلیشه‌بندی افراد بر اساس جنسیت و تحقیر، طرد، خوار شمردن زنان و... مبنی بر یکسان نبودن دسترسی زنان به فرصت‌ها و امکانات مطرح بوده است (شادلو، ۱۳۸۲).

همچنین در تحلیل مفهوم «تبعیض» بر حسب مفهوم متضاد، با مفاهیم «عدالت، مساوات و برابری» مواجه هستیم و در گفتمان «عدم تبعیض» نیز سخن از «برابری» است و عناصری همچون نژاد، مذهب و جنسیت در مفهوم «برابری» نقش اساسی دارند (علاسوند، ۱۳۹۶). در بسیاری از موارد کاربرد واژه «تبعیض» مشاهده می‌شود که با «واو» عاطفه (که بین واژگان هم‌معنا می‌آید) به همراه واژه «بی‌عدالتی» و «نابرابری»، ترکیب عطفی مترادف هستند، «تبعیض و نابرابری»، «تبعیض و بی‌عدالتی» مانند: «ضعف و ناتوانی»، «فقر و تنگدستی»؛ هر دو طرف واو عاطفه به یک معنا هستند. حداقلِ مطلب این است که تبعیض، مصداق بارز بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی محسوب می‌شود.

1. Un. Org. Discrimination based on religion or belief.

۴- بر اساس غالب تعاریف، «تضعیف حقوق، برخورد نامطلوب، تحکم، خلاف عدل و انصاف، نادیده گرفتن شایستگی‌ها، تفاوت گذاشتن متعصبانه و غرض‌آلود»، عناوین برجسته‌ای هستند که برای تفسیر مفهوم تبعیض استفاده شده، بار معنایی منفی با خود دارند که نشانگر متضمن بودن تبعیض بر ستم و بی‌عدالتی است.

۲-۴. مصادیق و گونه‌های تبعیض

تبعیض شاخه‌های مختلفی دارد. برخی از مصادیق مطرح در جوامع امروزی عبارت‌اند از: تبعیض جنسیتی،^۱ تبعیض نژادی، تبعیض دینی، و تبعیض سنی (برای نمونه، ندادن فرصت‌های کاری به افراد با سنین بالا با این تصور که این افراد از انجام چنین کارهایی ناتوان‌اند)، تبعیض قومیتی، تبعیض به دلیل ناتوانی، تبعیض طبقاتی (تبعیض به خاطر موقعیت اجتماعی)، تبعیض‌های آموزشی و شغلی، تبعیض اقتصادی، تبعیض شغلی و....

۲-۵. خاستگاه اصطلاح تبعیض علیه زنان

با توجه به هدف این نوشتار یعنی پاسخ به شبهه دلالت «تفضیل» بر «تبعیض» علیه زنان، به بررسی تبعیض جنسیتی می‌پردازیم. واژه «تبعیض» بعد از آنکه در قرن هفدهم میلادی برای رفتارهای ناعادلانه با نژادهای رنگین‌پوست به کار رفت، مجدداً در قرن نوزدهم با پیدایش جنبش‌های فمینیستی مطرح شد و تا به امروز به عنوان یکی از کلیدواژه‌های اساسی جریان فمینیسم به کار می‌رود. امروزه تبعیض جنسیتی به همین امور تعریف شده است: انحصاری نمودن مجامع، موقعیت، مزایا و موهبت‌ها در هر جامعه به صورتی که یک جنس از آن برخوردار باشد و دیگری از آن محروم (شهشهانی، ۱۳۸۰). در متون علمی مربوط به مسائل اجتماعی نیز اصطلاحات «عدالت جنسیتی» و «برابری جنسی» به عنوان مقابل اصطلاح «تبعیض جنسیتی»، و اصطلاحات «بی‌عدالتی جنسی»، «نابرابری جنسی» و «ستم جنسی» به عنوان مترادف آن مطرح هستند. رفتارهای نامناسب، ستم‌آلود و غیر انسانی با زنان در جوامع مختلف، حتی در جوامع مدعی دفاع از حقوق بشر، سبب شکل‌گیری جریان فمینیسم برای احقاق حقوق

۱. زمانی که مبنای تبعیض، جنسیت فرد مورد تبعیض واقع شده می‌باشد (رواسیان کاشی، ۱۳۸۸).

ضایع شده زنان در زمینه‌هایی از جمله داشتن حق رأی و دخالت در سرنوشت اجتماعی سیاسی، اشتغال و استقلال مالی زنان گردید. فمینیست‌ها مدعی بودند که باید میان زنان و مردان، برابری شکل گیرد و مردان و زنان صرف نظر از جنسیت آنان، از حقوق برابر برخوردار باشند. فمینیست‌ها تا حدی موفق شدند از زنان یعنی قربانیان رفتارهای تبعیض آمیز دفاع کنند و حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آنان را احیا نمایند.

ماده ۱ متن «کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان»، «تبعیض» را در خصوص زنان این گونه معنا نموده است:

«عبارت "تبعیض علیه زنان" در این کنوانسیون به هر گونه تمایز، استثنا (محرومیت) یا محدودیت بر اساس جنسیت اطلاق می‌گردد که نتیجه یا هدف آن خدشه‌دار کردن یا لغو شناسایی، بهره‌مندی یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان صرف نظر از وضعیت زناشویی ایشان و بر اساس تساوی میان زنان و مردان است».

مبنای این کنوانسیون، برابری میان زن و مرد است و کم و بیش تمام فمینیست‌ها خواهان برابری حقوق زن و مردند؛ هرچند فمینیست‌ها بعدها تا حدودی به اشتباه خود پی بردند و به لزوم توجه به این گونه تفاوت‌ها اذعان نمودند. شهید مطهری با توجه دادن به تفاوت‌های طبیعی دو جنس، عدالت حقوقی اسلام را تبیین نموده است. وی در ضمن عنوان «تساوی یا تشابه؟» استدلال می‌نماید که تساوی و برابری حقوق زن و مرد لزوماً تشابه و یکنواختی حقوق آنان را به دنبال ندارد و برابری غیر از یکنواختی است (مطهری، ۱۳۶۷: ۱۴۳-۱۴۴).

در این مقاله اثبات شد که «تفضیل» در قرآن کریم، هیچ دلالتی بر ستم و بی‌عدالتی بر زنان ندارد؛ بلکه تنها مزیت طبیعی و تکوینی مردان را برای تفکیک نقش‌ها و مسئولیت‌ها در چارچوب خانواده می‌رساند که نشانگر مسئولیت بیشتر مردان نسبت به حفظ خانواده است؛ چنان که در تحلیل مفهوم تبعیض گذشت، داشتن شرایط برابر و استحقاق همسان عنصر اساسی در تبعیض است؛ اما تفضیل مردان بر زنان در قرآن، بر اساس تفاوت میان آنان در شرایط و استحقاق‌هاست.

شرط استحقاق برابری در بین اموری که تبعیض بینشان رخ داده، یک شرط اساسی

برای درک مفهوم تبعیض است. شهید مطهری با مثالی در تبیین تفاوت با تبعیض، به همین نکته اشاره می‌کند که تبعیض در شرایط مساوی و استحقاق همسان صورت می‌پذیرد؛ ولی تفاوت در شرایط نامساوی. برای مثال، اگر دو ظرف ده لیتری داشته باشیم که داخل یکی ده لیتر و دیگری پنج لیتر آب بریزیم، تبعیض صورت گرفته است؛ ولی اگر دو ظرف داشته باشیم، یکی به ظرفیت ده لیتر و دیگری به ظرفیت پنج لیتر، و هر دو را درون آب دریا فرو ببریم و از آب پر کنیم، در اینجا منشأ اختلاف، تفاوتی است که در گنجایش و ظرفیت آن ظرف‌ها وجود دارد، نه در دریا و نیروی فشار آب (همو، بی‌تا(الف): ۱۰۱). تفاوت‌ها اموری طبیعی بوده که لازمه پویایی و تکامل فردی و اجتماعی هستند؛ بر خلاف تبعیض که آثار منفی بی‌شماری را به دنبال دارد.

بنابراین هر تفاوتی تبعیض نیست. در بدو امر ممکن است به نظر برسد که تبعیض و برابری همیشه ضد هم هستند، به صورتی که هر گاه نابرابری باشد، تبعیض رخ داده است، در حالی که در برخی موارد لزوماً نابرابری، تبعیض نیست.

آیا تبعیض از خداوند صادر می‌شود؟ عناوینی که در تعریف «تبعیض» به کار رفته‌اند، غالباً به ویژگی‌های فاعل و انجام‌دهنده تبعیض باز می‌گردند. هر گاه سخن از تبعیض به میان می‌آید، مفهوم ستم نیز به ذهن خطور می‌کند. انسان به دلیل منفعت‌طلبی و زیاده‌خواهی، به سایر هموعانش ستم روا می‌دارد؛ اما در شبهه مدعیان تبعیض قرآن کریم علیه زنان، انجام تبعیض به خداوند نسبت داده شده که این نسبت نارواست. قرینه معنوی تفصیل در آیات قرآن، شأن‌گوینده آن یعنی خداوند متعال است که ستم نمی‌کند: ﴿أَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ﴾ (آل عمران / ۱۸۲)؛ خداوند به بندگان [خود] ستم نمی‌کند.

این مضمون در ۵ موضع از قرآن کریم تکرار شده است. ستم از کسی صادر می‌شود که به ظلم نیازمند است و خداوند بی‌نیاز مطلق است: «وَأِنَّمَا يَحْتَاَجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ...» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱/۴۹۰)؛ کسی به ستمگری نیاز دارد که ضعیف و ناتوان باشد. از سوی دیگر، خداوند خالق همه مردان و زنان است و برای خداوند مخلوقاتش یعنی بنده مؤنث یا مذکر فرقی ندارند که بین آنان تبعیض قائل شود و بدون دلیل، یکی را بر دیگری برتری دهد و به نفع یکی بر دیگری ستم روا دارد؛ چنان که گذشت

هیچ کدام از مفسران متقدم و معاصر، هیچ گونه برداشتی مبنی بر وجود مصادیق «تبعیض» در مفهوم «تفضیل» در آیات قرآن نداشته‌اند.

۳. برابری تفضیل قرآنی در مباحث جنسیتی

علت تبعیض و بی‌عدالتی ادعا شده در زمینه اعتبار شهادت زنان (هاشمی، ۱۳۷۸، به نقل از: شیرین عبادی، نشریه ایران (چاپ خارج)، ش ۱۸/۳) و نقصان سهم آنان در ارث (خزائلی، ۲۰۱۹؛ نظرآهاری، ۱۳۹۸؛ سهلا، ۱۳۹۳: ۵۱۰) و محرومیت از تصدی مقام قضاوت (وبگاه تاریخ ایران، ۱۳۹۶/۵/۲۱، به نقل از: روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸/۳/۲۱) و مسائلی از این قبیل، غفلت از ویژگی‌های تکوینی و طبیعی زنان است. با نگاه اولیه به این امور (شهادت، ارث و...)، برتری مردان نسبت به زنان به نظر می‌رسد. اما این «برتری»، یک امتیاز ارزشی برای مردان نیست؛ بلکه توجه به تفاوت‌های جسمی و روحی و کارکردهای اختصاصی آنان در زندگی اجتماعی است؛ چرا که تدبیر مسائل اجتماعی نیاز به قوای جسمانی، صلابت، سیطره عقل و خشونت مردانه دارد^۱ و ایفای نقش‌های مادری و همسری، سرمایه بی‌نظیر عواطف و احساسات زنانه را می‌طلبد.

در مسئله ارث گفته می‌شود که مرد بر زن برتری دارد؛ چرا که سهم ارث او، دو برابر زن است. ولی اینان به این مطلب توجه ندارند که از نظر قرآن، زن نیز هیچ گونه مسئولیت مالی در خانواده ندارد. همچنین از پرداخت خسارت در جنایات اشتباهی که خویشاوندان باید دیه بپردازند، و از قضاوت، جهاد و تکالیف سخت اجتماعی دیگری که بر عهده مردان می‌باشد، معاف است. در مقابل، دریافت کننده نفقه و مهریه هم می‌باشد.

بنابراین قرآن کریم احکام ارث ﴿لِّلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ﴾ (نساء / ۱۱) را بر اساس تبعیض و جانبداری از یک جنس وضع نکرده است؛ بلکه بر اساس مسئولیت و تکالیف مالی آنان در خانواده مقرر نموده است. علامه طباطبایی نیز در تبیین این حقیقت چنین می‌نگارد:

۱. تفاوت‌های جسمی و روانی مرد و زن که در دنیای امروز با مشاهده و آزمایش و مطالعات عینی در پرتو مطالعات عمیق پزشکی، روانی و اجتماعی ثبت شده است (ر.ک: مطهری، ۱۳۶۷: ۲۰۴-۲۰۷).

«برتری مرد بر زن در مسئله ارث هم مطرح است، ولی برتری واقعی نیست؛ بلکه منظور زیادتی [در برخی ویژگی‌های مرد نسبت به زن] است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۱۷/۴).

در بحث اعتبار شهادت زنان که به میزان نیمی از شهادت مردان است، در آیه ۲۸۲ سوره بقره آمده است: ﴿وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى﴾؛ باید از میان مردانتان دو تن را گواه بگیرید و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن از گواهانی که می‌پسندید، گواه باشند. تعیین دو زن به جای یک مرد، برای این است که بیم آن می‌رود که یکی از آن دو زن فراموش کند که در این صورت باید یکی از آن دو که به خاطر دارد، به دیگری یادآوری کند.

قرآن کریم احتمال اشتباه زنان و انحراف از حقیقت را در مقام شهادت، بیشتر از مردان می‌داند؛ به دلیل اینکه زنان از مردان، عاطفی‌تر و احساسی‌ترند و غلبه احساسات، احتمال خطا را در شهادت بیشتر می‌کند؛ بر خلاف مردان که تفکر آنان کمتر تحت تأثیر احساسات و هیجان‌اتشان است و از لحاظ روحی، بهتر با حوادث و وقایع مواجه می‌شوند. گاهی شهادت دادن، پیامدهای سوء و خطرناکی از جانب محکومان برای شاهدان به دنبال دارد که در نهایت، معافیت زنان از این مسئولیت خطیر، به سود آنان است.

در حقیقت از دیدگاه قرآن، سهم الارث بیشتر یا اعتبار شهادت و یا صلاحیت برای تصدی قضاوت و... بیانگر ارزش و شخصیت بیشتر مرد نسبت به زن نیست؛ بلکه مسئولیت‌هایی است بر اساس ویژگی‌های جسمی و روحی که خداوند به واسطه آفرینش متفاوت در وجود این دو جنس نهاده است.

این ادعاها مبنی بر وجود «تبعیض» علیه زنان در گزاره‌های قرآنی، در اندیشه‌های فمینیستی ریشه دارد. سخن افرادی که مفهوم قرآنی «تفضیل» را با مفهوم «تبعیض» در علوم اجتماعی یکسان می‌انگارند، از اندیشه‌های فمینیستی نشئت گرفته و سبب شده است هر گونه تفاوت حقوقی مردان و زنان را در قرآن کریم، تبعیض علیه زنان بدانند. خطای فمینیست‌ها به رسمیت نشناختن تفاوت‌های طبیعی و تکوینی است که منشأ تفاوت‌های حقوقی می‌گردد؛ از این رو هر گونه تمایز را تبعیض شمرده‌اند (علاسوند، ۱۳۹۶).

نتیجه گیری

برای تبیین مفهوم «تفضیل»، تمام آیات دربردارنده مشتقات فعلی ریشه «فضل» گردآوری شد و مورد تأمل قرار گرفت. بررسی مفهوم «تفضیل» مشخص نمود که در فرهنگ قرآن، مطلق «تفضیل» به معنای ترجیح و برتری بخشی است و تفضیل دهنده منحصرأ خداوند است. مفهوم «تفضیل» به حوزه مسائل اجتماعی اختصاص دارد و جنبه فردی ندارد. تفضیلی (برتری) که خداوند به برخی افراد عنایت فرموده، گاه جنبه مادی دارد؛ مانند برتری انسان‌ها نسبت به سایر مخلوقات، برتری انسان‌ها در رزق، برتری مرد بر زن (و یا مرد و زن نسبت به یکدیگر) و گاه جنبه معنوی؛ مانند برتری بعضی انبیا نسبت به دیگر انبیا، برتری همه انبیا نسبت به سایر انسان‌ها و برتری جهادگران بر غیر آنان. اما بیان «تفضیل» مرد بر زن (یا برتری شوهر بر همسر) با توجه به سیاق آیات، حاکی از تفاوت آنان در ویژگی‌های جسمی، فکری و طبیعی است که همگی ناظر به آفرینش آنان است. در ادامه، مؤلفه‌های معنایی «تبعیض» در علوم اجتماعی استخراج و تحلیل گردید. از تحلیل تعریف‌های «تبعیض» در شاخه‌های مختلف علوم اجتماعی روشن شد که عنصر محوری آن، برتری بخشی بدون دلیل و علاوه بر آن، متضمن ستم و نابرابری است؛ از این رو «تفضیل» قرآنی بر هیچ یک از مؤلفه‌های معنایی «تبعیض» دلالت ندارد و این دو مفهوم هیچ ارتباطی با هم ندارند.

دقت در آیات «تفضیل» و مقایسه آن‌ها با مؤلفه‌های معنایی «تبعیض» در علوم اجتماعی، فهم ناقص و سوء برداشت دگراندیشان در مورد دیدگاه قرآن کریم نسبت به جایگاه و حقوق اجتماعی زن را برملا ساخت. حاصل آنکه تفضیل مردان بر زنان در آیه ۳۴ سوره نساء، سبب برتری ارزشی مردان بر زنان نیست؛ بلکه بیانگر تفاوت آنان در تکوین است و موجب تفاوت در مسئولیت‌ها و نقش‌های اجتماعی‌شان می‌شود؛ مانند دیگر تفاوت‌های حقوقی در مسائل طلاق، ارث، دیه و... که در جای خود ثابت شده به دلیل مصلحت‌های اجتماعی هر دو جنس می‌باشد. علاوه بر اینکه «تفضیل» بر اساس حکمت و مصلحت خداوندی صورت گرفته که به احدی ستم نمی‌کند.

کتاب‌شناسی

۱. ابن عاشور، محمداطاهر، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲. ابن منظور افریقی مصری، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، *لسان‌العرب*، قم، ادب‌الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۳. ابن هائم مصری، شهاب‌الدین احمد بن محمد بن عماد، *التبیان فی تفسیر غریب القرآن*، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۴۲۳ ق.
۴. انصاری، نسرین، و بدری شاه‌طالبی، «تبعیض ادراک‌شده»، مقاله در کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و مهندسی، ترکیه، دانشگاه استانبول، ۲۸ جولای ۲۰۱۶ م.، قابل دستیابی در وبگاه سیویلیکا به نشانی: <https://civilica.com/doc/537238>.
۵. انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، سخن، ۱۳۸۱ ش.
۶. بستانی، فؤاد افرام، *فرهنگ ابجدی الفبایی عربی-فارسی*، ترجمه رضا مهیار، بی‌تا.
۷. بلاغی نجفی، محمدجواد بن حسن، *آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم، وجدانی، بی‌تا.
۸. بیرو، آلن، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، کیهان، ۱۳۷۵ ش.
۹. جلیلی، خدیجه، *جامعه‌شناسی معلولیت: تبیین جامعه‌شناختی تبعیض علیه معلولین*، مقدمه باقر ساروخانی، تهران، علمی، ۱۳۹۱ ش.
۱۰. جعفری، محمدتقی، *ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه*، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم*، قم، اسراء، ۱۳۸۷ ش.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد، *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه*، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دار العلم الملايين، بی‌تا.
۱۳. حسینی آلوسی بغدادی، شهاب‌الدین محمود بن عبدالله، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۴. خزانلی، معین، «تقسیم ارث برابر بین فرزندان دختر و پسر»، ۱۶ اوت ۲۰۱۹ م.، منتشر شده در: <https://iranhr.net/fa/articles/3892>.
۱۵. رابرتسون، یان، *درآمدی بر جامعه (با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی)*، ترجمه حسین بهروان، تهران، به‌نشر، ۱۳۷۷ ش.
۱۶. راد، علی، «قرآن و آموزه تفضیل پیامبران؛ اسلوب، زمینه‌ها و ماهیت»، *قرآن‌شناخت*، سال یازدهم، شماره ۲ (پیاپی ۲۱)، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ ش.
۱۷. رشید رضا، محمد، *تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار*، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۴ ق.
۱۸. رواسیان کاشی، سمیه، *فصل مشترک تبعیض‌ها: بررسی کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان*، تهران، پژوهش، ۱۳۸۸ ش.
۱۹. ساروخانی، باقر، *دائرة‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران، کیهان، ۱۳۷۰ ش.
۲۰. سها، «نقد قرآن»، ۱۳۹۳ ش.، منتشر شده در: www.azadieiran2.wordpress.com.
۲۱. سید قطب بن ابراهیم شاذلی، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق، ۱۴۲۵ ق.
۲۲. شادلو، شیده، «نقش فرهنگ در متعادل ساختن نگرش‌های جنسیتی در حیات اجتماعی برای توانمند ساختن زنان»، *مجموعه مقالات همایش توانمندسازی زنان*، تهران، مرکز مشارکت زنان، ۱۳۸۲ ش.
۲۳. شایان‌مهر، علیرضا، *دائرة‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران، کیهان، ۱۳۷۷ ش.
۲۴. شریعتی، علی، *مجموعه آثار ۲۶: علی‌الطیلا*، تهران، آمون، ۱۳۶۸ ش.

۲۵. شورچه، عبدالحسین، و سمیرا حیاتی، «ادعای برتری مطلق مرد بر زن»، ۲۶ مهر ۱۳۹۵ ش.، منتشر شده در: <<https://tazkerah.ir/content/85>>.
۲۶. شهشهانی، سهیلا، «چارچوب مفهومی جنسیت»، مقاله در: نگرشی بر تحلیل جنسیتی در ایران، گردآوری نسرین جزینی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰ ش.
۲۷. صادق‌زاده طباطبایی، سید محمود، و سید محمد مرتضوی، «معیار برتری پیامبران از نگاه قرآن و حدیث»، *مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام*، سال چهل و سوم، شماره ۸۶/۲، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ش.
۲۸. صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ ق.
۲۹. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *من لایحضره الفقیه*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. طباطبایی، سید محمد حسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۳۱. طباطبایی امین، طاهره سادات، «بررسی و نقد انگاره برتری ذاتی بنی اسرائیل بر اساس مطالعه تطبیقی تفاسیر قرآن و تفاسیر عهد عتیق»، *دوفصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی*، سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۷ ش.
۳۲. طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، *تفسیر جوامع الجامع*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۳۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۴. طیبی، زینب، «تفاسیر فریقین و آیه ﴿الرِّجَالُ قَوَّاهُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾»، *پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده (فصلنامه تخصصی طهورا)*، سال سوم، شماره ۵، بهار ۱۳۸۹ ش.
۳۵. عضدانلو، حمید، *آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*، تهران، نی، ۱۳۸۶ ش.
۳۶. علاسوند، فریبا، «معیار نابرابری در تعریف عدالت: امری فلسفی یا کلامی؛ بررسی دیدگاه علامه طباطبایی رحمته درباره تفاوت حقوقی مرد و زن»، *دوفصلنامه مطالعات جنسیت و خانواده*، سال چهارم، شماره ۲ (پیاپی ۷)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۳۷. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر؛ مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، هجرت، ۱۴۱۰ ق.
۳۹. فضل‌الله، سید محمد حسین، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دار الملائک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.
۴۰. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، *تفسیر الصافی*، چاپ دوم، تهران، مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ ق.
۴۱. قدسی، احمد، «نگاهی به آیه ۳۴ سوره نساء و مسئله قومیت مردان بر زنان»، *پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده (فصلنامه تخصصی طهورا)*، سال سوم، شماره ۵، بهار ۱۳۸۹ ش.
۴۲. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۴۳. کدیور، محسن، «بازخوانی حقوق زنان در اسلام "عدالت مساواتی" به جای "عدالت استحقاقی"»، مهر ۱۳۹۰ ش.، منتشر شده در: <<https://kadivar.com/8931>>.
۴۴. گولد، جولیس، و ویلیام ل. کولب، *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، مازیار، ۱۳۷۶ ش.
۴۵. گیدنز، آنتونی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نی، ۱۳۷۶ ش.
۴۶. مراغی، احمد بن مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۴۷. مروی، محمدعلی، «سرپرستی خانواده با نگاه به آیه ۳۴ سوره نساء»، ماهنامه معرفت، سال شانزدهم، شماره ۱۲۲، بهمن ۱۳۸۶ ش.

۴۸. مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش.

۴۹. مطهری، مرتضی، *عدل الهی*، بی جا، بی نا، بی تا. (الف)

۵۰. همو، *نظام حقوق زن در اسلام*، تهران، صدرا، ۱۳۶۷ ش.

۵۱. همو، *یادداشت‌های استاد مطهری*، بی جا، بی نا، بی تا. (ب)

۵۲. معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۱ ش.

۵۳. مغنیه، محمدجواد، *التفسیر الکاشف*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۲۴ ق.

۵۴. مقرئ فیومی، احمد بن محمد بن علی، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*، قم، دار الهجرة، بی تا.

۵۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

۵۶. نظرآهاری، شیوا، «از حقوقی که نداریم: نگاهی دوباره به قوانین تبعیض آمیز»، ایران اینترنشنال، ۱۳۹۸/۱۲/۴.

۵۷. واحدی، ابوالحسن علی بن احمد، *الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز*، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۵ ق.

۵۸. هاشمی، سیدحسین، «گواهی زنان»، *کتاب نقد*، سال سوم، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۷۸ ش.

۵۹. هاشمی علی آبادی، سیداحمد، «بررسی شبهه اخلاقی سلب کرامت زنان در صدر آیه ۳۴ سوره نساء»، *پژوهش‌های اخلاقی*، سال ششم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۴ ش.

